

سلامة الاطفال

١٧٤٤٥

۸۷، ۱۱، ۲۷۳  
۸۷، ۱۱، ۱۴

# دانشگاه شهید بهشتی تهران

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

روز شنبه ۱۳۸۷

(پایان نامه)

با نمره نوزدهم (۱۹۲۵)

جهت اخذ درجه دکتری

پارسی شده است

رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

مقایسه عروض فارسی و عربی  
۱۳۸۷، ۶، ۱۹

مقایسه عروض فارسی و عربی

استاد راهنما:

دکتر محمد غلامرضایی

استادان مشاور:

دکتر سید جعفر حمیدی - دکتر سید امیر محمود انوار

نگارش:

داود محمدی

شهریور ۱۳۸۷

کتابخانه مرکزی  
دانشگاه شهید بهشتی  
تهران

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۱۹

۱۰۶۴۴۵

تقدیم به پدرم

و

به مادرم

به پاس آن همه مهربانی و فداکاری

## فهرست مطالب

الف	چکیده
ب	پیشگفتار
ز	تمهید مسأله
	بخش اول: کلیات
	فصل اول: شعر
۳	۱-۱-۱- شعر و ماهیت آن
۸	۱-۱-۲- تفاوت شعر و نظم
	فصل دوم: وزن شعر
۱۳	۱-۲-۱- وزن
۱۴	۱-۲-۲- ملازمت وزن با شعر
۱۷	۱-۲-۳- انواع وزن
۱۹	۱-۲-۴- سابقه وزن در ایران
۲۹	۱-۲-۵- نوع وزن شعر پیش از اسلام
۴۵	نتیجه
	بخش دوم: عروض
	فصل اول: مقدمات
۵۱	۱-۱-۲- وجه تسهیه عروض
۵۲	۱-۲-۲- پیشینه عروض
۵۶	۱-۲-۳- چگونگی ابداع عروض توسط خلیل بن احمد
۵۸	۱-۲-۴- عروض در زبان فارسی
	فصل دوم: عروض سنتی
۶۳	۱-۲-۲- نویسندگان و کتابهای عروضی
۷۱	۱-۲-۲- روش سنتی در طبقه بندی اوزان و ترسیم دوایر
۷۷	۱-۲-۲- ارکان و زحافات در عروض سنتی
۸۲	۱-۲-۲- اشکالات و کاستی‌های عروض سنتی

فصل سوم: علینقی وزیر و اصلاحات ادبی

۹۵-۱-۳-۲- پیش درآمد

۹۷-۲-۳-۲- قواعد عروض وزیری

فصل چهارم: خانلری و وزن شعر فارسی

۱۱۱-۱-۴-۲- پیش درآمد

۱۱۲-۲-۴-۲- هجاها

۱۱۴-۳-۴-۲- پایه‌ها

۱۲۰-۴-۴-۲- دوایر

۱۲۴-۵-۴-۲- سخنی پیرامون تکیه و رابطه آن با شعر فارسی

فصل پنجم: فرزاد و تحقیقات عروضی او

۱۳۱-۱-۵-۲- پیش درآمد

۱۳۱-۲-۵-۲- پایه‌ها

۱۳۶-۳-۵-۲- طبقه بندی اوزان

۱۴۰-۴-۵-۲- اشکالات و نارسایی‌ها

فصل ششم: عروض حمیدی

۱۴۶-۱-۶-۲- پیش درآمد

۱۴۷-۲-۶-۲- انتقاد از زحافات

۱۴۹-۳-۶-۲- پایه‌ها

۱۵۱-۴-۶-۲- اوزان و کیفیت ساخت آنها

۱۵۶-۵-۶-۲- شیوه تقطیع شعر

۱۵۷- نتیجه

بخش سوم: عروض فارسی و عربی

فصل اول: مقایسه عروض فارسی و عربی در کلیات

۱۶۷-۱-۱-۳- پیش درآمد

۱۷۱-۲-۱-۳- وجوه اشتراک عروض فارسی و عربی

۱۷۶-۳-۱-۳- وجوه افتراق عروض فارسی و عربی

فصل دوم: بحور عروضی

- ۲۰۷-۱-۲-۳- اصطلاحات مربوط به اجزاء و انواع بیت در عروض عربی
- ۲۱۱-۲-۲-۳- بررسی و مقایسه بحور عروضی در فارسی و عربی
- ۲۱۱-۱- بحر هزج
- ۲۱۸-۲- بحر رجز
- ۲۲۴-۳- بحر رمل
- ۲۳۳-۴- بحر متقارب
- ۲۳۹-۵- بحر متدارک
- ۲۴۴-۶- بحر کامل
- ۲۵۲-۷- بحر وافر
- ۲۵۹-۸- بحر طویل
- ۲۶۳-۹- بحر مدید
- ۲۶۸-۱۰- بحر بسیط
- ۲۷۴-۱۱- بحر سریع
- ۲۸۰-۱۲- بحر منسرح
- ۲۸۵-۱۳- بحر خفیف
- ۲۹۰-۱۴- بحر مضارع
- ۲۹۴-۱۵- بحر مقتضب
- ۲۹۸-۱۶- بحر مجتث
- ۳۰۴-۱۷- بحر غریب (جدید)
- ۳۰۵-۱۸- بحر قریب
- ۳۰۷-۱۹- بحر مشاکل
- ۳۰۸- نتیجه
- ۳۱۰- منابع و مأخذ

## چکیده:

در این رساله پیش از بحث اصلی، کلیاتی در باب ماهیت شعر، وزن و نوع وزن در شعر ایران باستان بیان شده سپس شیوه‌های عروضی فارسی اعم از شیوه سنتی و شیوه‌های چندتن از عروضیان معاصر نقد و بررسی شده است. در این بررسی‌ها مسائلی چون روش طبقه بندی اوزان و ترسیم دوایر عروضی، قواعد ساخت هجاها، ارکان و زحافات، کیفیت ساخت اوزان و بحور و سرانجام اشکالات و نارسایی‌های هریک از شیوه‌ها مطرح گردیده است.

در بخش مربوط به بررسی و مقایسه عروض فارسی و عربی، ابتدا وجوه اشتراک و افتراق عروض فارسی و عربی در مباحثی نظیر مصوت‌ها، هجاها، ارکان، اوزان، زحافات، دوایر و اختیارات شاعری بیان شده و سپس هریک از بحور عروضی بر اساس عروض فارسی و عربی تحلیل و مقایسه شده است. در این تحلیل و مقایسه، نخست وزن اصلی و معیار هر بحر در عروض عربی مشخص گردیده آنگاه صورت‌های مختلف آن بحر- اعم از تام، مجزوء، مشطور و منهوک- به همراه عروض و ضرب‌ها و زحافات و علل آن همراه با مثال بررسی شده است؛ سپس وزن اصلی و معیار همان بحر در فارسی بیان گردیده و آنگاه اوزان رایج و پرکاربرد و برخی اوزان کم کاربرد آن در فارسی همراه با بیتهای استشهادی برای هر وزن آمده است، سپس آن بحر در فارسی و عربی با هم مقایسه شده است.

نتایج حاصل از مقایسه بحور عروضی در فارسی و عربی به اختصار چنین است:

۱- وزن اصلی و معیار اغلب بحور در عروض عربی به صورت مسدس و در فارسی مثنی است. کاربرد اوزان مختلف نیز در عروض عربی بیشتر به شکل مسدس و مربع و در فارسی مثنی و مسدس است.

۲- میزان کاربرد بحور مختلف در دو عروض متفاوت است.

۳- در بحور مختلف، برخی زحافات تنها در عربی و برخی دیگر فقط در فارسی کاربرد دارد. بسیاری از زحافات نیز در عروض هر دو زبان مشترک است.

۴- تعداد اختیارات شاعری در عروض فارسی اندک و اغلب کلی است در حالی که در عروض عربی بسیار زیاد و در هر وزن متفاوت است.

## پیشگفتار

حمد و سپاس بی قیاس معبود بی همتایی راست که میزان را بیافرید و اسباب را پدید آورد. پروردگاری که میان آسمان و زمین فاصله افکند. کوه‌ها را چون اوتاد بر زمین، استوار و بحر‌ها را بر آن جاری ساخت. و درود و تحیت بی کران خداوند بر روان پاک و مقدس سرور کائنات و خاتم انبیاء محمد مصطفی صلوات الله علیه و خاندان پاک و مطهرش باد. آنان که ستارگان تابناک آسمان ولایت و هدایتگران انسان از بیابان ضلالت به بوستان سعادت‌اند.

خدای را شاکرم که توفیق رفیق گشت تا بتوانم درباره آنچه سالهاست روح من بدان پیوند خورده مطلبی بنویسم.

سال‌ها پیش آوازه کتاب مستطاب و گران سنگ «موسیقی شعر» تألیف استاد فاضل دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی را شنیده اما هیچگاه فرصتی برای مطالعه آن به دست نیاورده بودم. در آغاز دوره دکتری که استاد ارجمند جناب آقای دکتر غلامرضایی این کتاب را به عنوان یکی از منابع امتحانی درس بلاغت معرفی کردند، با دقت و ریزبینی تمام آن را مطالعه کردم و آن‌گاه بود که با خود می‌گفتم: «صَغَرَ الْخَبْرَ خُبْرًا»: «شنیدن کی بود مانند دیدن.» و افسوس می‌خوردم که چرا این کتاب را پیش از این نخوانده‌ام. قلم شیوای استاد شفیعی کدکنی و احاطه کامل ایشان بر مباحث مربوط به موسیقی شعر، با آن دامنه پهناور، مرا که علاقه ای وافر به موضوع وزن شعر و قواعد مربوط به آن یعنی علم عروض داشتم، مجذوب و مسحور ساخت.



باری علاقه شدید به عروض و قواعد موسیقی شعر، نگارنده را بر آن داشت تا رساله دکتری خود را در باب نقد و بررسی شیوه‌های عروض فارسی و مقایسه عروض فارسی و عربی بنگارد. اگرچه قبل از انتخاب این موضوع، عده‌ای مرا از انجام چنین تحقیقی با دشواری‌ها و پیچیدگی‌های خاصی که داشت و خود نیز از آن آگاه بودم برحذر می‌داشتند، به خصوص که در جایی هم خوانده بودم «اگر کسی بخواهد مجموعه‌ای از کتب عروضی را پیش روی داشته، به مطالعه عمیق و مقایسه دقیق آنها مشغول شود، اگر دیوانه نگردد به هر تقدیر زمان مایه‌ای دیوانه‌وار خواهد بود!»<sup>۱</sup> اما من بار این دیوانگی را در سفت جان کشیدم و از آن جایی که گفته‌اند: «حُبُّك الشَّيْءُ يُعْمِي وَيُصِمُّ» هیچ یک از این رنج‌ها و دشواری‌ها در نظرم چیزی نمی‌آمد و همواره با صبر و عشق و علاقه، راه تحقیق را بر خود هموار می‌کردم. اکنون که نزدیک به سه سال از عمر و وقت خود را در این راه مصروف داشته‌ام، بسیار خرسندم که توانسته‌ام درباره موضوعی که سالهاست بدان علاقه داشته و دارم تحقیقی هرچند ناچیز انجام دهم و البته هیچ‌گاه ادعای آن را ندارم که آنچه گفته و نوشته‌ام کامل و درست و خالی از عیب و نقص است، چرا که انسان ضعیف و عاجز، همواره محل نقصان و نسیان است. اما امید آن دارم که حاصل این کوشش مورد پسند و قبول خاطر خوانندگان و به ویژه استادان ارجمندم قرار گیرد.

امید هست که کارآگاهانش بپذیرند به کارگاه امل هرچه بود کاری بود (پروین اعتصامی).

---

<sup>۱</sup> فرهنگ عروضی، مقدمه، ص ب.

تدوین این رساله در سه بخش کلی انجام گرفته و هر بخش به چند فصل تقسیم می‌گردد:

بخش اول کلیاتی است درباره شعر و وزن که دو فصل را شامل می‌شود. در فصل اول مطالبی را پیرامون شعر و ماهیت آن و نیز تفاوت شعر و نظم بیان کرده‌ایم. فصل دوم را به مطالبی درباره وزن، ملازمت وزن با شعر، انواع وزن، سابقه وزن در ایران و نوع وزن در شعر پیش از اسلام، اختصاص داده‌ایم.

بخش دوم مربوط به عروض است. فصل اول از این بخش را در باب مباحثی چون وجه تسمیه و پیشینه عروض، چگونگی ابداع عروض توسط خلیل بن احمد و عروض فارسی نگاشته ایم. در فصل دوم که مبحث عروض سنتی مطرح شده است ابتدا نویسندگان و کتاب‌های مشهور عروض سنتی را معرفی کرده و سپس به نقد و تحلیل روش سنتی در طبقه بندی اوزان و ترسیم دوایر عروضی پرداخته‌ایم. در فصل‌های سوم تا ششم شیوه‌های جدید عروضی را در روزگار معاصر معرفی و نقد و بررسی کرده‌ایم. در این فصول به ترتیب شیوه‌های عروضی علینقی وزیری، دکتر پرویز ناتل خانلری، مسعود فرزاد و دکتر مهدی حمیدی شیرازی نقد و بررسی شده است.

بخش سوم در خصوص مقایسه عروض فارسی و عربی است که خود مشتمل بر دو فصل است. در فصل اول ابتدا تعدادی از کتاب‌های مهم و برجسته را در زمینه عروض عربی معرفی نموده‌ایم سپس عروض فارسی و عربی را در کلیات مقایسه کرده و وجوه اشتراک و افتراق میان هر دو عروض را برشمرده‌ایم. در فصل دوم نیز

ابتدا اصطلاحات مربوط به اجزاء و انواع بیت را که در عروض عربی کاربرد دارد، توضیح داده‌ایم سپس به بررسی و مقایسه تک‌تک اوزان و بحور عروضی در هر دو عرض فارسی و عربی پرداخته‌ایم.

اما بنای کار در این رساله بر اختصار است و سعی شده که در بیان مطالب، حتی‌الامکان از تطویل و اطناب پرهیز شود مگر در مواقعی که شرح و توضیح بیشتر، ضرور می‌نمود. در فصل دوم از بخش سوم که همه بحور و اوزان در فارسی و عربی بررسی شده به جهت رعایت اختصار برای هر وزن تنها به ذکر یک نمونه از شاهد شعری اکتفا گردیده است.

ارجاعات در پاورقی‌ها بر اساس نام کتاب است و تنها در مواردی که دو کتاب با یک عنوان واحد، وجود داشته نام مؤلف پس از نام کتاب ذکر شده است.

در ارجاعات، نام برخی کتاب‌ها به ویژه کتاب‌های عروض عربی که مکرر از آنها استفاده شده به صورت مختصر آورده شده است. مثلاً به جای «الاقناع فی العروض و تخریج القوافی» تنها «الاقناع» ذکر شده است.

در پایان این مقال بر خود بایسته می‌دانم سپسگزاری خالصانه و متواضعانه خود را از زحمات بی‌دریغ استاد ارجمندم جناب آقای دکتر محمد غلامرضایی ابراز دارم که با راهنمایی‌های بسیار ارزنده و عالمانه، سعه صدر و خلق نیکوی خویش علاوه بر آن که راهنمایی و هدایت مرا در نگارش این رساله به عهده گرفتند به شیوه‌ای عملی درس اخلاق و ادب و فروتنی و محبت نیز به من آموختند.

و نیز از استادان بزرگوار خود جناب آقای دکتر سید جعفر حمیدی و جناب آقای دکتر سید امیرمحمود انوار که مشاورت این رساله را پذیرفتند و بنده همواره از ارشادات و راهنمایی‌های ارزنده ایشان بهره‌مند بوده‌ام، تشکر و سپاس فراوان دارم. همچنین پاس می‌دارم خاطر همه استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی را که از سالیان دور تا به امروز از خرمن فضل و دانش ایشان خوشه برچیده‌ام. از خداوند متعال طول عمر و توفیق روزافزون همه این بزرگواران را خواهانم.

داود محمدی

مرداد ماه ۱۳۸۷

## تمهید مسأله

### ۱- بیان مسأله:

قدما در تعریف شعر گفته‌اند: "شعر کلامی است موزون و مخیل". بنابراین عنصر وزن و آهنگ در شعر عنصری مهم و اساسی است که هیچ‌گاه از آن جدا نبوده است و همه حکمای اسلامی همواره وزن را ملازم شعر شمرده‌اند. در طبقه بندی دانش‌های ادبی در دنیای اسلام، عروض را علمی دانسته‌اند که درباره وزن شعر بحث می‌کند. از عمر این علم بیش از هزار سال می‌گذرد و در طی قرون و اعصار، کتاب‌های متعدد در باب آن نگاشته شده اما به جرأت می‌توان گفت که تا پیش از هفتاد سال گذشته، هیچ تغییر و تحول قابل توجهی در اصول و مبانی آن پدید نیامده بوده است. در دوره معاصر نظریات جدیدی در باب اصول و قواعد این علم، مطرح و شیوه‌های تازه‌ای عرضه شده است که نقد و تحلیل این شیوه‌ها و تعیین میزان کارآمدی هر یک، لازم و ضروری می‌نماید.

مسأله دیگر این است که با توجه به رابطه زبان و شعر فارسی دری با عربی از جهات گوناگون، و نیز با توجه به این تصور که عروض فارسی همان عروض عربی است، گمان بر این است که میان عروض فارسی و عربی، تفاوتی چندان وجود ندارد حال آنکه بررسی و مقایسه دقیق، بیانگر آن است که عروض فارسی با عروض عربی تفاوت‌های اساسی دارد. بنابراین در بخش دیگر این پژوهش، از طریق مقایسه، وجوه اشتراک و افتراق عروض فارسی و عربی در کلیات و جزئیات مشخص خواهد شد.

## ۲- سؤال‌های اصلی تحقیق:

- ۱-۲- تغییرات در اصول و مبانی علم عروض چگونه بوده است؟
- ۲-۲- روش‌های جدید معاصران تا چه میزان در سادگی عروض و علمی تر شدن آن کارآمد و مؤثر بوده است؟
- ۳-۲- آیا عروض فارسی مأخوذ از عروض عربی است؟
- ۴-۲- مشترکات و مفترقات عمده میان عروض فارسی و عربی چیست؟

## ۳- فرضیه‌ها:

۱-۳- مباحث و قواعد علم عروض در طی قرون متمادی، تغییر و تحولات قابل توجهی نداشته و همان مطالب و مباحثی که شمس قیس در المعجم و خواجه نصیر در معیار الاشعار و پیشینیان آنان مطرح کرده بودند، بی تغییری عمده در آثار عروضی دیگر ثبت گشته است. تنها در روزگار معاصر عده ای از محققان برای از میان بردن ایرادات و کاستی‌های عروض فارسی، تغییر و تحولاتی ایجاد نموده و هر یک در جهت سادگی و علمی تر شدن عروض و قواعد پیچیده آن اسلوبی خاص و جدید به دست داده‌اند.

۲-۳- از میان روش‌های جدید، تنها روش خانلری و تا حدودی وزیری در جهت سادگی و علمی تر شدن عروض موفق بوده اما روش‌های دیگری چون روش فرزاد و حمیدی تأثیر و توفیق چندانی نداشته و در پاره ای مواقع، بر دشواری و دیر فهمی اصول و قواعد عروض نیز افزوده است.

۳-۳- درباره وزن شعر و علم عروض باید گفت که اساساً خود وزن شعر و اصول و مبانی آن مقوله ای است جدا از علم عروض و قواعد آن، بنابراین درباره منشأ وزن شعر فارسی میان منتقدان اختلاف نظر وجود دارد اما در باب علم عروض می توان گفت اساس و بنیان عروض فارسی و عربی یکی است اما به تدریج راه آن دو از یکدیگر جدا شده است.

۳-۴- بیشتر مشترکات و مفترقات عمده میان عروض فارسی و عربی مربوط به هجاها، افاعیل یا اجزای عروضی، زحافات، اختیارات شاعری و بحور و اوزان و میزان کاربرد آنهاست.

#### ۴- سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

در موضوع تحقیق مورد نظر، در برخی کتابها و مقالات، اشاره‌هایی مجمل و گذرا دیده می شود اما هیچ پژوهش مستقل و مفصلی انجام نشده است. برخی از آثاری که در آنها به صورت ضمنی پیرامون موضوع مذکور اشاراتی شده عبارت است از:

- کتاب "بررسی منشأ وزن شعر فارسی" تألیف دکتر تقی وحیدیان کامیار.
  - مقاله "درباره طبقه بندی وزنهای شعر فارسی"، نوشته دکتر ابوالحسن نجفی.
  - مقاله "اختلافات عروضی فارسی و عربی"، نوشته دکتر محمد فشارکی.
- با توجه به دشواری علم عروض و اختلاف نظرهایی که در باب رابطه عروض فارسی و عربی وجود دارد و تحولاتی که در چند دهه گذشته در عروض فارسی به

وجود آمده، بررسی و تحلیل و میزان کارآمدی شیوه‌های جدید عروضی، ضروری به نظر می‌رسد و چون هیچ‌گاه اشتراکات و اختلافات عروض فارسی و عربی به دقت و تفصیل بررسی نشده و به صورتی جامع و کامل با هم مقایسه نشده، تعیین مشترکات و مفترقات آن دو، ضرور می‌نماید.

### ۵- هدف‌های تحقیق:

۱-۵- تحلیل و بررسی روش‌های تازه‌ای که معاصران برای آموزش عروض فارسی و قواعد آن عرضه کرده‌اند و بیان محاسن و معایب هر یک از این روش‌ها.  
۲-۵- مقایسه و تطبیق علم عروض فارسی و عربی، از طریق این مقایسه می‌توان به اصول و قواعد کلی و جزئی این علم در هر دو زبان دست یافت و وجوه افتراق و اشتراک آنها را آشکار ساخت.

۳-۵- چون کسانی که با ادبیات قدیم فارسی سر و کار دارند و در باب آن تحقیق می‌کنند، الزاماً با شعر عربی نیز ارتباط می‌یابند، لازم است طرز صحیح خواندن شعر عربی را با توجه به اوزان عربی بدانند، این تحقیق در این امر آنان را یاری می‌کند.



## ۶- روش انجام تحقیق :

روش کار در این تحقیق، تحلیلی و تطبیقی است؛ بدین معنی که در عروض فارسی ابتدا شیوه عروض سنتی و سپس شیوه‌های مختلف عروض جدید در دوره معاصر بررسی و تحلیل می‌شود و سپس مباحث و موضوعات مختلف عروض فارسی و عربی، جزء به جزء تطبیق و مقایسه می‌گردد تا بدین طریق، وجوه اشتراک و افتراق آنها مشخص گردد.

بخش اوّل

کلیات

# فصل اول: شعر

۱- شعر و ماهیت آن

۲- تفاوت شعر و نظم

## ۱-۱-۱ شعر و ماهیت آن

درباره‌ی شعر و ماهیت آن از گذشته‌های دور تا کنون سخن گفته‌اند، بزرگان علم و ادب همواره سعی داشته‌اند تا تعریفی جامع و مانع از شعر به دست دهند اما هر یک بسته به نوع نگاه خود، ویژگی‌هایی را برای شعر برشمرده و گاه یک ویژگی را شاخص تر و بارزتر دانسته‌اند.

عده‌ای در تعریف خود بیشتر به ساختمان و صورت شعر توجه داشته و گروهی دیگر برای معنا و محتوای شعر اصالت قائل شده‌اند.

دسته‌ی دیگر نیز هر دو وجه یعنی صورت و ساختمان و معنا و محتوا را به لحاظ اهمیت یکسان دانسته و در تعریف شعر به هر دو وجه نظر داشته‌اند.

بنابراین تعریف‌های متعددی از افراد مختلف در حوزه‌های گوناگون برای شعر در کتاب‌ها مندرج است.

« ارسطو که نخستین کسی است که درباره‌ی شعر و شاعری گفتگو کرده است وزن و قافیه را جزو ماهیت و ذات شعر نمی‌شمارد و آنچه در نزد او معتبر است معنی شعر است نه وزن و قافیه‌ی آن»<sup>۱</sup>

ارسطو در بوطیقای خویش معتقد است که شعر کلام مخیل است و صورت و قالب شعر از عناصر ذاتی و ماهوی شعر نیست. او بسیاری از سخنان منظوم را شعر

---

<sup>۱</sup> -دایره المعارف فارسی، مصاحب، ج ۲، مقاله‌ی «شعر» دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی